نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت «عفاف و حجاب» در کشور؛

عفاف و حجاب و تبیین شرایط کنونی

سپهرغرب، گروه خانواده: در این یادداشت نگاهی آسیب‌شناسانه و تحلیلی به وضعیت کنونی مسئله عفاف و حجاب و مدیریت فرهنگی کشور در این زمینه با هدف تبیین روند طی‌شده خواهیم داشت.

نگاهی تحلیلی به تاریخ فرهنگی زنان جامعه ایران نشان می‌دهد که طی تاریخ همواره مردم ایران از فرهنگ غنی و استواری در توجه به رعایت پوشش ظاهری و نوع لباس متناسب با فرهنگ خود برخوردار بوده‌اند، به‌نحوی که انتخاب نوع پوشاک مناسب و آراسته، منزلت اجتماعی و موازین فرهنگی آنان را نیز نمایان می‌کرده است. ازاین‌رو موضوع حفظ و رعایت پوشش برای زنان و انتخاب پوشاک مناسب، ازجمله مؤلفه‌های فرهنگی‌ای شناخته می‌شود که باید هر ملتی بر حفظ آن به‌نحوی که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه را نشان دهد، کوشا باشند.

با توجه به این موضوع، زنان جامعه ایرانی پس از پذیرش دین اسلام به‌عنوان دینی سعادت‌بخش، حجاب و پوشش اسلامی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اعتقادی و فرهنگی دین اسلام که صیانت از عفت و شخصیت زن مسلمان را موجب می‌شود، پذیرفتند و در مقابل توطئه‌هایی چون واقعه کشف حجاب در زمان پهلوی اول تا سرحد جان برای حفظ آن مبارزه کردند. توطئه‌ای که با هدف اجرای تز اسلام‌زدایی و جایگزینی ارزش‌های لیبرالیستی در جامعه با مدیریت غرب و با اجرای رضاخان شکل گرفت و از مهم‌ترین جلوه‌های این طرح، پدیده «کشف حجاب» بود.

اما حرکت به سوی مدرنیته در کنار بروز تحولاتی همچون جهانی شدن فرهنگ و رشد فرهنگ مصرفی، گرایش به مد و نظارت مستمر بر ویژگی‌های ظاهری، این مؤلفه فرهنگی اسلامی- ایرانی را تحت تأثیر قرار داد و این ارزش صورتی یافت که نه‌تنها همگونی و مطابقتی با فرهنگ غنی ما نداشت، بلکه موجبات ترویج بی‌حدوحصر مد و فرهنگ غربی و لوازم آن همچون مصرف‌گرایی را ترویج کرد. چنانکه شاهد هستیم بعضی زنان امروزی با استفاده خاص از برخی اقلام مد روز و با توجه افراطی به لباس و قیافه، تصویرهایی شخصی از خویش می‌سازند و با پیام‌هایی درباره کیستی و هویت خود به دیگران ارسال می‌کنند که شایسته زن مسلمان ایرانی نیست. مسئله‌ای که به بهانه استفاده از پوشش‌هایی راحت‌تر از حجاب کامل (چادر) و با آمدن پوشش «مانتو» به چرخه تولید پوشاک کشور، نهادینه شد؛ اما از مسیر درست و مناسب خود منحرف و شکل نامتعارف امروزی را پیدا کرد. درحقیقت ترویج استفاده از پوشش‌هایی جایگزین برای حجاب اسلامی چادر، به بهانه‌های مختلفی چون عدم استفاده صحیح و راحت در مکان‌های مختلف از این پوشش، مسیری را برای تغییر این پوشش متعارف آمیخته با فرهنگ اسلامی باز کرد که درنهایت موجب کم‌ارزش شدن و کم‌توجهی به آن از سوی برخی زنان و دختران ایرانی و فراگیر شدن پوشش‌های نامناسب دیگر شد.

وقوع این مسئله علاوه‌بر تأثیر مدرنیته غرب و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در کشور، دلایل دیگری نیز داشت که می‌توان آن‌ها را از عوامل تشدیدکننده وضعیت نابهنجار موجود تلقی کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ازجمله عوامل تأثیرگذار بر ترویج و مقبولیت پوشش‌های نامتعارف در کشور، روی آوردن تولیدکنندگان و طراحان صنعت لباس کشور به تولید لباس با شکل و فرم‌های غربی و غیر ایرانی است. چراکه پوشش‌ها و لباس‌هایی همچون انواع مانتو، ظرفیت بیشتری برای تولیدکنندگان لباس و پوشاک زنانه ایجاد می‌کنند تا با تنوع بخشیدن به تولیدات خود و با تبعیت از مدل‌های غربی، توجه خریداران را به خود جلب کنند و فروش بیشتر و درنهایت سودآوری بهتری را برای این گروه از چرخه تولید پوشاک کشور ایجاد کنند.

در این میان نکته قابل توجه آنکه طی سال‌های بعد از انقلاب و با بروز این تحولات که هم در عرصه اجتماعی و فرهنگی و هم در عرصه اقتصادی ایجاد شد، بخش مدیریت و نظارت فرهنگی در دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی نیز به وظیفه خود به شکل صحیحی عمل نکرد و با کم‌توجهی به ترویج سریع پوشش‌های نامتعارف، اقدام جدی و مناسبی انجام نداد. درحالی که غرب با استفاده از راهبرد جنگ نرم علیه فرهنگ اسلامی- ایرانی و با استفاده از ابزارهای مختلف و نیرومندی همچون رسانه، تمام‌وقت مدل‌هایی برگرفته از سبک زندگی غربی، الگوهایی را برای زنان و دختران ایرانی ترویج می‌کرد که نه‌تنها هیچ سنخیتی با این فرهنگ نداشته و ندارند، بلکه زمینه‌های بی‌بندوباری‌های اخلاقی را نیز فراهم کردند. این کوتاهی و بی‌توجهی به بازار تولیدات مصرفی کشور، با سرازیر شدن پوشاک قاچاق و وارداتی با اشکال و طرح‌های غیر متعارف همراه شد و آن را شدت بخشید. چنانکه در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که تولیدکنندگان اکثر برندها و مارک‌های معتبر جهانی پوشاک و البسه به بازگشایی شعبه، خاصه در کلان‌شهر تهران اقدام کرده‌اند و همین امر بر محبوبیت محصولات آن‌ها به‌ویژه در میان گروه‌های هدف شامل زنان و جوانان، افزوده است.

اگرچه برای کنترل و نظارت بر صنعت پوشاک اقداماتی همچون تشکیل کارگروه سامان‌دهی مد و لباس کشور ذیل معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شد، اما این‌گونه اقدامات نیز به‌دلیل مشکلات مختلف نظارتی، عدم ارائه الگوهای مناسب برای تولیدکنندگان و یا عدم الزام آنان به پیروی از مدل‌های تصویب‌شده، عملاً تأثیر چندانی نداشته است.

علاوه‌بر این نهادهای دیگر فرهنگی و دینی نیز توجه جدی‌ای به رواج پوشاک و تولیدات غیر اسلامی نداشته، برای ترویج حجاب اسلامی اقدامات لازم تبلیغی را انجام نداده و یا در این امر کوتاهی کردند. چراکه مبارزه با هر پدیده نامتعارف فرهنگی منتج از فرهنگ غرب، اقدام‌های تبلیغی جدی و مؤثر را می‌طلبد؛ اقدام‌هایی که باید از ابتدای سنین نوجوانی و جوانی و در نهادهای مختلف از خانواده تا دانشگاه و محل کار تبلیغ و ترویج، آسیب‌های آن تبیین و نوع مناسب آن ترویج شود.

رسانه به‌ویژه سینما و تلویزیون در این مسیر فرهنگی نقش بسیار مهمی داشته و ابزار مؤثر و کارگشایی محسوب می‌شوند که نه‌تنها از آن‌ها به‌درستی استفاده نشده، بلکه با عدم نظارت صحیح، در مواردی خود به ضد ارزش تبدیل شده و با نمایش دادن بازیگران مشهور زن در پوشش‌های نامناسب، خود به ترویج فرهنگ ضد ایرانی اقدام کرده‌اند.

درمجموع عوامل مختلفی را باید در تغییر شکل نوع پوشش اسلامی به اشکال نادرستی که موجب ترویج فرهنگ غربی و عدم حفظ حجاب و به‌اصطلاح بدحجابی می‌شوند، دخیل دانست که از آن جمله‌اند: تغییر باورها و ارزش‌های زن مسلمان ایرانی نسبت به حجاب و پوشش، رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی و عدم مبارزه با آن، عدم نظارت بر صنعت پوشاک کشور، عدم توجه نهادهای فرهنگی و اجرایی کشور به مقوله عفاف و حجاب و پوشاک کشور، عدم ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی- ایرانی از سوی نهادهای فرهنگی- دینی و رسانه.

با توجه به رواج سریع پدیده بدحجابی که معضلات وسیعی در زمینه فرهنگ و مسائل اجتماعی به همراه داشته و خواهد داشت، لازم است که نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی و نهادهای دینی و فرهنگی به این مقوله توجه جدی کنند و با کنترل و نظارت بیشتر بر صنعت تولید پوشاک کشور و با ترویج نوع درست پوشاک و الگوهای متعارف منطبق با سبک زندگی اسلامی- ایرانی، از شیوع آن جلوگیری کنند تا نسل امروز و آینده کشور از آسیب‌های آن در امان بمانند.

* **محسن اخباری**

فقط یک همسر خوشحال یاری‌بخش است

سپهرغرب، گروه خانواده: در زندگی مشترک اصل ساده‌ای وجود دارد که متأسفانه تعداد معدودی از زوج‌ها از آن بهره می‌برند. مطلب این است که همسرتان هنگامی خواهان کمک و مساعدت به شما خواهد بود که احساس خوشحالی و قدرشناسی داشته باشد. از سوی دیگر وقتی از شما ناراضی است و احساس می‌کند که برای او ارزشی قائل نیستید، طبعاً آخرین چیزی که به نظرش می‌رسد، آسان‌تر کردن زندگی شماست.

البته منظور این نیست که مسئولیت شما شادمان کردن همسر خود است؛ این به خود شما بستگی دارد که آیا بخواهید امر مذکور را تحقق بخشید و یا خیر. حال چه همسر شما احساس کند که برای او ارزشی قائل هستید و چه این احساس را نداشته باشد، در هر صورت نقش مهمی برعهده ماست. لحظه‌ای به وضعیت خود بیندیشید، از زمان ازدواج تابه‌حال چندبار از همسر خود به‌خاطر تمام کارهایی که برای شما انجام داده است، صادقانه تشکر کرده‌اید؟ تقریباً هیچ‌کس این کار را به‌طور دائمی و براساس عادت انجام نمی‌دهد.

همسرتان شریک زندگی شماست؛ مطلوب‌تر بوده که شما با شریک خود آن‌طور برخورد داشته باشید که با بهترین دوستتان رفتار می‌کنید. وقتی بهترین دوست شما می‌گوید که خیلی دلم می‌خواهد چند روزی تنهایی به نقطه‌ای بروم، شما چه پاسخ می‌دهید؟ به احتمال زیاد خواهید گفت که فکر خیلی خوبی بوده، لازم است این کار را بکنی؛ اما اگر همسر شما دقیقاً همین حرف را بزند، آیا واکنش شما نیز دقیقاً همان خواهد بود و یا به فکر فرو می‌روید که چه واکنشی نسبت به او بروز دهید؟ آیا دستپاچه می‌شوید، حالت دفاعی به خود می‌گیرید و می‌رنجید؟ آیا یک دوست خوب بیشتر به فکر خود است یا به فکر سعادت دوستش؟ آیا تصور می‌کنید این امر که دوستان خوب شما هر زمان که نیاز به کمک داشته باشید به یاری شما می‌شتابند، امری اتفاقی است؟ مسلماً نه. رفتار شما با همسر و دوستان خوب خود به دو گونه متفاوت است؛ به خاطر داشته باشید که امر ازدواج یا ارتباط با اهل خانه، مانند حساب مشترک به‌هرحال مسئولیت‌هایی را به همراه دارد. مثلاً اگر دوست خوبی منزل شما را تمیز و وقتی را صرف تهیه شام کند، به او چه خواهید گفت؟ چه واکنشی نشان خواهید داد؟ حال آیا اگر همسر شما دقیقاً همین کار را انجام دهد، او را سزاوار این تقدیر خواهید دانست؟

چه در خانه مشغول به کار باشیم و چه در خارج از خانه، هم علاقه زیادی داریم و هم استحقاق آن را که مورد قدرشناسی قرار گیریم و درصورتی که همکاری ما انجام وظیفه تلقی نشود، طبیعتاً میل داریم یاری‌دهنده باشیم.

هیچ امری به‌اندازه عکس‌العمل افراد در قبال قدرشناسی و ارزشمند تلقی شدن، قابل پیش‌بینی نیست. هر مرد و زنی دوست دارد همسرش قدرشناسی خود را به‌خاطر کارهای مشکلی که انجام می‌دهد و برای تمامی کارهای او و همچنین سهم بسیار بزرگی که در خانواده دارد، ابراز کند. نتیجه این رفتار متقابل آن است که هر دو نفر ما خیلی دوست داریم (نه‌فقط به‌عنوان یک وظیفه، بلکه از آن جهت که مورد قدرشناسی قرار گرفته‌ایم) برای یکدیگر کاری انجام دهیم.

البته شاید قبلاً چنین کاری را انجام داده باشید. در این صورت، آن را ادامه دهید؛ اما اگر تابه‌حال آن را امتحان نکرده‌اید، برای شروع هیچ‌وقت خیلی دیر نیست. از خود سؤال کنید که برای ابراز حق‌شناسی نسبت به همسر خود، چه کاری بیش از آنچه در گذشته انجام می‌دادید، می‌توانید انجام دهید؟ پاسخ این سؤال ساده است؛ ابتدا با بیان عبارت «از تو متشکرم» آغاز کنید و صادقانه آن را ادامه دهید. درواقع شما با گفتن این جمله در برابر کارهای همسر خود، کار مهمی نمی‌کنید. پس به ابراز حق‌شناسی و قدردانی خود نسبت به او ادامه دهید. شرط می‌بندم که بعد از مدتی مانند همه زوج‌های موفق متوجه می‌شوید که هرچه همسر خوشحال‌تر باشد و بیشتر حس کند که از او قدرشناسی شده است، تمایل بیشتری به یاری کردن پیدا می‌کند.

* **زهره پری‌نوش**

شکار، دختر است یا پسر؟

سپهرغرب، گروه خانواده: یافته‌های روان‌شناسی نشان می‌دهند که توسل به خودنمایی و خودآرایی در بین دختران رواج بیشتری دارد. همچنین تجربه بشری نشان می‌دهد که در تصاحب قلب‌ها، پسر شکار است و دختر، شکارچی!

میل دختر به خودآرایی، از این حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود که خداوند برای هدف متعالی «پیوند همسری» در طبیعت و سرشت او نهاده است.

بدین سبب دستور پوشش برای دختران به اقتضای طبیعت لطیف آنان، سخت‌گیرانه‌تر است. حال در این مطلب به بررسی دلیل امر مذکور می‌پردازیم:

علت بیشتر بودن پوشش قانونی دختران در جامعه و فرهنگ ما، منع کام‌جویی جنسی از آنان است که قطعاً به دوام بیشتر کانون خانواده، صمیمیت، محبت و دل‌بستگی بیشتر در زندگی مشترک آینده آن‌ها خواهد انجامید.

دختر و پسری که قبل از ازدواج عفیفانه‌تر زیسته‌اند و ازدواجشان نخستین تجربه رابطه‌ای آن‌هاست، خوشبخت‌تر زندگی می‌کنند. پس درواقع دختران با رعایت حدود پوشش، به سلامت زندگی و سالم‌تر ماندن همسر آینده خود کمک کرده‌اند و البته چنین خویشتن‌داری و عفافی از سوی پسران نیز تضمین خوبی برای زندگی آینده خود آن‌هاست.

شاید یکی از علت‌هایی که جوانان امروز در جوامع غربی از ازدواج گریزان هستند، همین باشد؛ زیرا آنان ازدواج را برای خود یک محدودیت می‌دانند و اکثر کام‌جویی‌های آن‌ها در غیر محیط خانواده، غیر کادر رسمی، در جریان معاشرت‌های آزاد و در محیط‌هایی غیر از خانه انجام می‌پذیرد. طبیعی بوده که برای چنین کسانی ازدواج، آغاز محرومیت است. برخلاف فرهنگ اسلامی که در آن ازدواج جوانان پایان محرومیت، آغاز یک زندگی نوین، کانون محبت و فضایی برای کمال‌جویی و پیشرفت دوشادوش است. برای رسیدن به چنین سعادتی بوده که اسلام به‌صورتی جدی، مسلمانان را از دوستی با جنس مخالف نهی می‌کند.

■ **اگر پسران و دختران آزاد باشند، اشباع می‌شوند؟**

کسانی گفته‌اند که اگر پسران و دختران آزاد باشند، اشباع و عطش آن‌ها کم‌تر می‌شود؛ اما تجربه جوامع گوناگون نشان داده است که این‌چنین نیست. مگر چشم‌چرانی‌ها، روابط غیر قانونی، خشونت علیه زنان و ناامنی فضاهای اجتماعی برای دختران در جوامع آزاد غربی کم‌تر شده است؟ جسم سالم، روح زیبا و شخصیت مطلوب اجتماعی، گوهرها و سرمایه‌های دختران و پسران جوان هستند، کدام انسان خردمندی بهترین سرمایه‌های خویش را در معرض استفاده هر کس و ناکس قرار می‌دهد؟

به تجربه ثابت شده است هر محیطی که در آن رفت‌وآمد کمتری میان دو جنس بوده و پوشش صحیح و حریم خصوصی افراد رعایت شده، در آنجا پسرها و دخترها نیز احساس آرامش بیشتری داشته‌اند و در کار و تحصیل، موفق‌تر بوده‌اند.

■ **آیا پوشش دختران مانع رشد آن‌ها است؟**

پوشش مطلوب اسلام (بدون آنکه بر نوع خاصی از پوشش اصرار بورزیم) برای دختر، مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیست. آنچه موجب به‌هم‌ریختگی جامعه و فلج شدن نیروهای فعال اجتماع می‌شود، آلوده شدن محیط کار، تحصیل و غیره است که با آزاد گذاشتن لذت‌جویی‌ها، چشم‌چرانی‌های مردان و میدان دادن به عشوه‌گری‌ها و خودنمایی‌های دختران در محیط عمومی رقم می‌خورد.

اگر در محیط دانشگاه دختران خود را بپوشانند و هیچ‌گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می‌خوانند، بهتر فکر می‌کنند و بهتر به سخن استاد گوش می‌دهند. وقتی که در کنار هر پسری یک دختر آرایش‌کرده و با وضع نامتناسب در کلاس نشسته باشد، جایی برای تمرکز و اندیشه باقی می‌ماند؟

■ **شکار، دختر است یا پسر؟**

انصافاً کدام روش التهاب را در دختران و پسران کاهش می‌دهد و به نفع آن‌هاست؟ عقل کدام را تصدیق می‌کند؟

آیا اگر پسران ما در خیابان، کوچه، بازار، مدرسه، اداره، کارخانه و غیره با رفتارهای فریبنده و سخنان و وعده‌های شعارگونه و غیر واقعی، دائماً درصدد یافتن دختران پاک، ساده و صمیمی جامعه باشند و هربار با فرو نشستن عشق‌های سطحی و خامشان به دیگری رو کنند، آرامش و امنیتی برای دختران ما خواهد ماند؟

تقریباً در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع دختر هر اندازه متین‌تر، با وقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را پوشیده‌تر نگه دارد و کم‌تر در معرض تماشای بیگانگان قرار گیرد، بیشتر مورد احترام و ارزش پسر است. حتی افراد بی‌بندوبار هم هنگامی که سر عقل می‌آیند و می‌خواهند تشکیل خانواده بدهند، برای گزینش همسر به دنبال دختری پاک و عفیف که تا قبل از آن با هیچ پسری رابطه نداشته، می‌گردند.

اصولاً افراد پاک و عفیف که به عفاف شناخته شده‌اند، از دسترس آزاد افراد منحرف و آلوده به دور هستند.

قرآن می‌فرماید: «رعایت حریم عفاف (در روابط اجتماعی) از سوی زنان برای این است که به عفاف و پاکی شناخته شوند و از آزار و اذیت بیماردلان به دور باشند». (احزاب، آیه ۵۹)

خودنمایی یا عرضه کردن خود به نامحرمان، از عزت و شکوه دختران می‌کاهد و علاوه‌بر آنکه زمینه را برای نفوذ افراد آلوده و ارتباط با آنان فراهم می‌کند، پسران جوان را که باید مظهر اراده، فعالیت، شجاعت، مردانگی و تصمیم باشند، به افرادی هوس‌باز، چشم‌چران، آلوده، بی‌اراده و ضعیف تبدیل می‌کند.

اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند و با چادر و یا مانتو و روسری مناسب به مدرسه و دانشگاه بروند، قطعاً خودشان هم آرامش روانی بیشتری خواهند داشت و بهتر درس می‌خوانند.

چه‌قدر خوب است که دختر جوان مسلمان در اجتماع آن‌چنان رفتار کند که علائم عفاف، وقار، سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و به این صفات شناخته شود. تنها در این صورت است که بیماردلان (که به دنبال شکار می‌گردند) از او مأیوس می‌شوند.

این تقریباً یک اصل همیشگی است که پسران ولگرد به دنبال دختران جِلف، سبک و خودنما می‌گردند. این‌گونه دختران گویی وضع لباس و پوشش، راه رفتن و سخن گفتنشان معنادار است و به زبان بی‌زبانی می‌گویند: به من توجه کن! به سوی من بیا و مرا تعقیب کن؛ درحالی که عفاف، رفتار، حرکات سنگین و با وقار دختر دیگر، می‌فهماند که دست تعرض از این حریم کوتاه است و هیچ پسری جرئت نمی‌کند به او تعرض و یا بی‌احترامی کند.

دختران خوب جامعه ما انصاف دهند که آیا حقیقت جز این است؟